

نظام هنجاری حکمرانی جامع نگر فضای سایبر در راستای تعالی خانواده

محمدحسین ظریفیان یگانه^۱

^۱عضو هیات علمی دانشگاه تهران
mhzarifian@ut.ac.ir

چکیده

فضای سایبر فضایی ناپایدار و متغیر است و عناصر مختلف، مولفه‌های متعدد و وجوه متفاوتی در آن تأثیرگذار و از یکدیگر تأثیرپذیرند. حکمرانی مطلوب این فضا باید جامع‌نگر باشد؛ آن‌چنان‌که به همه ابعاد و زوایای موضوع چه از لحاظ ساختاری، چه از نظر شکلی و چه از نگاه محتوایی توجه داشته باشد. از زمره ویژگی‌های این فضا به عنوان بستر انتقال پیام، سرعت، فراگیری، قابلیت دسترسی بی‌مرز، فرامکانی، فرازمانی، سیال بودن، تشدید واقعیت و چندرسانه‌ای بودن است. فضای سایبر عرصه شبیه‌سازی واقعیت‌هاست و بستر ساز فضای نوین ارتباطات است. این فضا که فاصله زمانی و مکانی را از بین برده، ارتباطات را به سطحی دولایه بدل و عملاً دو فضا برای زیست انسان مهیا کرده تا آنجا که این زیستگاه، بخشی از حیات خانواده شده است. خانواده دو فضایی شده، واقعیتی است که با ضریب دادن ویژگی‌های فوق در یکدیگر، به امری فرازمانی، فرامکانی، در معرض اطلاعات نامحدود و سیال تبدیل شده و در مجموع از دو فضای موازی خانه و فراخاندن تحقق می‌یابد. خانواده دو فضایی شده از منفردهایی تشکیل یافته که گاه صرفاً فقط در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و تعلق عمیق به یکدیگر ندارند. هر چند که این خانواده، مرجعیت خود را در تربیت از دست داده و می‌بایست از خود در برابر مرجعیت‌های متعدد هویتی و ارزشی دفاع کند، اما باید توجه داشت که در این فضا، موقعیت‌های مناسبی نیز برای تعالی خانواده فراهم آمده است. پرهیز از ابتلا به آفت‌های این فضا و استفاده از ظرفیت‌های تعالی بخش آن، می‌تواند به خودشکوفایی خانواده بینجامد. مسئله اصلی این نوشتار که بر اساس مطالعه اسنادی و توصیف تحلیلی شکل گرفته است بررسی و تبیین بایدها و نبایدهای حکمرانی فضای سایبر مبتنی بر جامع‌نگری و در راستای تعالی خانواده است.

کلمات کلیدی: حکمرانی فضای سایبر، خانواده دو فضایی، تعالی خانواده، حکمرانی جامع، نظام هنجاری.

۱ مقدمه

فضای سایبر یا فضای مجازی در ابتدا با فناوری موریس در تمدن غربی آغاز گردید که تنها ظرفیت فرا محلی شدن را به فعلیت می‌رساند. بعد از آن نوعی شبکه‌ای شدن و سپس فضای واحد مشترک برای عموم این فناوری را تکمیل نمود. در مجموع، فضای مجازی جهانی است دارای محیطی یکسان، عددی شده، نا مرکزی، تعامل کننده و درهم تنیده است (ویتاگر، ۲۰۰۴، ۱۴). این فضا، همه کارکردهای علمی، حرفه‌ای و امور مرتبط با فرهنگ، سیاست و زندگی را در خود جمع کرده و آثار و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی را در همه حوزه‌ها در پی داشته است، به نحوی که یکی از مؤلفه‌های بسیار مؤثر در همه حیطه‌های یادشده فضای سایبر شمرده می‌شود.

فضای مجازی به رغم نو پدید بودنش در تمدن بشر، با توجه به گستردگی دامنه و پیشرفت سریع و روزافزون آن، جایگاه مهمی را در فضای آکادمیک و در میان موضوعات بنیادین احراز نموده است و بر فضای تفکر هنجاری مؤثر بوده است؛ تا جایی که برخی معتقدند فلسفه با زیرشاخه‌های خود یعنی فلسفه‌های مضاف که نظام هنجاری نیز از زمره آنهاست، دچار گشت رایانش شده است؛ زیرا وجوه، پرسش‌ها، ابزارها، مفاهیم و رویکردهای نوینی را وارد کرده است که در سیاق سنتی نمی‌گنجد. این فضا در نظر بسیاری، با تفکر پسامدرن همراه است که ایده واقعیات چندگانه و شناخت‌های موازی یا واگرا را به عنوان اساس مطرح می‌کند. بر این مبنا، مفهوم واقعیت در حال تغییر است و نوعی تفکر کثرت‌گرا در عرصه واقعیت به منصف ظهور می‌رسد. این تأثیرات، باعث تغییرات بنیادینی شده و حرکت از واقعیت به سوی فراواقعیت را به همراه داشته است. فناوری اطلاعات و به ویژه فضای مجازی، جهانی شدن، مصرف‌گرایی و مجازی شدن در عرصه فرهنگ را در پارادایم پسامدرن تسهیل کرده است.

۲ ماهیت فضای سایبر

می‌توان گفت فضای مجازی نوعی «فرا محلی شدن همزمان» است که از طریق ارتباطات شبکه‌ای فراهم شده و فضای واحدی را در ظرف جهانی و برای همگان به اشتراک گذاشته است (عاملی، ۱۳۹۶، ۲۲). فضایی جهانی در متن فضای اطلاعات که از شبکه به هم وابسته با زیرساختی تکنولوژیک شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های مخابراتی، سیستم‌های کنترل‌گر و پردازش‌گرهای جاسازی شده، تشکیل شده است. مایکل هایم پدر فضای سایبر در مورد آن اینطور می‌گوید: فضای سایبری چیزی بیش از یک پیشرفت مهم در رسانه‌های الکترونیک، یا در طراحی هم‌کنشگر کامپیوتر است. فضای سایبر به همراه محیط‌های مجازی و جهان‌های وانموده‌اش، آزمایشگاهی متافیزیکی و ابزاری برای آزمودن معنای ما از واقعیت و در حقیقت نوعی پیوند اطلاعات دیجیتالی و ادراک انسانی است (هایم، ۱۳۹۰، ۱۵۱).

در خصوص اینکه ماهیت فضای مجازی چیست و چگونه تکوّن می‌یابد دو دیدگاه عمده اراده‌باوری و جبرباوری وجود دارد و در مورد اینکه رابطه انسان با آن چگونه است دو رویکرد «ابزارگرایی» و «ذات‌گرایی» وجود دارد. در رویکرد ابزارگرایی، فضای مجازی به مثابه وسیله‌ای فاقد اراده و خواست قلمداد می‌شود که نوع کارایی و ارزش آن بسته به تصمیم و عملکرد انسانی است که آن را به کار می‌بندد (شریف، ۱۳۶۷، ۲۵).

و ذات‌گرایی معتقد است دارای ماهیت مختص به خود است که می‌تواند در معادلات اجتماعی و... تأثیرگذار باشد (هایدگر، ۱۳۸۹، ۱۴). در این میان افرادی مانند فینبرگ هستند که اساساً رویکرد تقابلی میان انسان و فضای مجازی ندارند و به‌نوعی به تأثیر و تأثر متقابل معتقدند (فینبرگ، ۱۹۹۵، ۵) و نیز افرادی هستند که به ذات خالصی برای تکنولوژی قائل نیستند، لذا آن را به دست انسان قابل تغییر می‌داند اما آن را ابزار صرف نیز تلقی ننموده و در معادلات اجتماعی و فرهنگی دارای وزن و تأثیر می‌داند و یا اشخاصی وجود دارند که معتقدند انسان در ساخت تکنولوژی آزاد است اما در ادامه و کنترل آن تقریباً همه چیز به دست خود تکنولوژی رقم می‌خورد (دراکر، ۱۹۵۹، ۲۸).

در نهایت باید گفت واقعیت مجازی، موجودیتی است که با زبان کامپیوتری خود که زبان ریاضی ASCII^۱ است و با استفاده از منطق نمادین، ارتباط و آگاهی شهودی و مستقیم ما با واقع و ارزش دلالت معانی بر واقعیت را کاهش داده و به سوی عالمی گسسته و انتزاعی و با فاصله وجودی از زمینه‌های عملی سوق می‌دهد و در نهایت ما از ژرفاندیشی و تأمل عمیق باز می‌مانیم. در حقیقت واقعیت مجازی با توجه به وجود بی‌حد و مرز خود و منطق بولی که اجازه هر فرضی را در چارچوب قوانین خود می‌دهد، فضا را برای جولان خیال و تنش احتمالات بی‌نهایت آن باز می‌کند و حلقه نامحدودی از معلومات پیش‌رو قرار می‌گیرند (هایم، ۱۳۹۰، ۶۸).

با توجه به گستردگی ابعاد فضای سایبر که با معنا و ارزش و فرهنگ از سویی و فردیت و هویت انسان‌ها از سوی دیگر ارتباط برقرار کرده است، مدیریت صحیح آن برای مدیریت چالش‌ها و فرصت‌های ایجادکننده‌اش برای جامعه امری ضروری است. لذا حکمرانی به معنای مجموعه‌ای از فرایندها که با قدرت، اقتدار و نفوذ، سیاست‌ها و رویه‌هایی را برای هدایت و کنترل هنجارها، قوانین و... صورت می‌بخشد، بایستی نسبت به چالش‌های فضای سایبر در جنبه‌های مختلفی چون امنیت، سبک زندگی، جغرافیا و... حساس بوده و تأمل نماید (کیان‌خواه، ۱۳۹۸، ۱۵۶). یکی از ویژگی‌های حکمرانی جامع در راستای تعالی خانواده، فهم درست حکمرانی از خاص‌بودگی‌های اجتماعی و تحولات میدانی همراه با تفتن به رابطه آنها با مبانی هنجاری و ارزش‌های دینی است. حکمرانی دینی بایستی متوجه باشد که چگونه ایدئولوژی‌ها از طریق تحولات تکنولوژیک وارد جامعه شده و ارزش‌ها را دستخوش تغییر می‌نمایند. گاهی برخی از سیاست‌گذاران بدون در نظر گرفتن برخی اقتضائات فناوری‌های جدید و عدم هم‌خوانی آنها با زیست‌بوم ایران به تجویز این امور می‌پردازند. باید دانست در دولت‌های رفاهی، مبنای حکمرانی و سیاست‌گذاری تأمین آزادی‌های عمومی به منظور دستیابی مردم به تمایلات و شادکامی‌های فردی است و دولت را در گسترش ارزش‌ها، بی‌طرف می‌دانند. در حالی که در حکمرانی اسلامی، دولت در قبال ارزش‌های الهی و مصالح واقعی مردم مسئول بوده و امکان بی‌طرفی در این خصوص وجود ندارد.

^۱ رمزهای استاندارد آمریکایی برای تبادل اطلاعات

۳ ماهیت خانواده و تعالی آن

اغلب در تعاریف خانواده آن را به عنوان نهادی اجتماعی که دارای خصوصیتی چون محل سکونت مشترک، همکاری اقتصادی، بازتولید نسلی، حمایت از افراد خانواده و ... می دانند (چیل، ۱۳۸۸، ۵۶). آنچه خانواده را هم به عنوان یک سازه اجتماعی و هم به عنوان ساختاری دارای اجزاء قابل تعریف و توجه می نماید، معنایی است که خانواده حول آن شکل می گیرد. اعضای خانواده بر اساس این معنا تعاملات خود را با یکدیگر و انتظارانشان را از همدیگر تنظیم می کنند. این معنا تحت تأثیر فرهنگ و ایدئولوژی و هنجارهای حاکم بر جوامع تحقق می یابد. این معنا همان طور که نیازمند تولید است، بایستی مورد مراقبت نیز قرار گیرد تا در فرایندی تعدیل شده، به رشد و پویایی و تعالی برسد. این معنا که می توان آن را ایدئولوژی و یا الهیات خانواده نامید، تعیین کننده واقعیتی از خانواده است که آن را الهی و طبیعی جلوه می دهد و تعیین می کند سیاست ها و خط مشی های حکمرانی به سمت حمایت و ترویج چه نوع خانواده ای برود؛ سازه ای همگون که هویت فردی، اجتماعی و هنجاری افراد جامعه را از طریق رابطه ای عاطفی و پایدار شکل می دهد.

از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) الهیات خانواده مبتنی بر توحید، اصالت خلیات نفس، توجه به سعادت ابدی، تأکید بر لایه عاطفی، هم خوانی با طبیعت و در نظر گرفتن اقتضائات اجتماعی روز شکل می گیرد. این بدان معناست که معنای محوری در خانواده توحید است که در ساحت نفس انسانی و از طریق تخلُّق به اوصاف الهی در قبال خود و اعضای خانواده تحقق می یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۳۷). بر این اساس، هنجار اصلی حاکم بر خانواده رفع موانع اعتقادی و اخلاقی و عاطفی جهت برقراری رابطه ای مبتنی بر توحید بین افراد خانواده است. روندی که سیر حرکت به سوی ابد را جمعی و از طریق تعامل صحیح با افراد خانواده می داند. در این نگاه هر عاملی که سطح عاطفی خانواده را تنزل داده و رعایت حق اخلاقی افراد را تهدید کند و با غلبه نگاه دنیوی، توجه به سعادت اخروی و محوریت حق در همه این امور را تحدید نماید، مخالف نظام هنجاری خانواده خواهد بود. «گاردنر» در کتاب «جنگ علیه خانواده» تصریح می کند حتی کسانی که به دنبال از بین بردن خانواده هستند، پذیرفته اند که خانواده موتور مولد همه ارزش های حیاتی جامعه است و لذا برای حاکم کردن هر نظم اجتماعی به دنبال تغییر در ارزش های خانواده هستند. او تصریح می کند دولت های پیشرفت گرا و اقتصادمحور به رغم اهدافی که اعلام می کنند خواهان افراد رشد یافته ای که هر کدامشان پاسدار شبکه ای از ارتباطات خانوادگی به هم وابسته و خودخواسته باشند نیست بلکه شهروندانی خودخواه، غیروابسته به یکدیگر و در عین حال مطیع نسبت به دولت می خواهد که عملاً به نحو نفوذ خانواده و قطع وابستگی به آن و تهی شدن از سنت های نگاه دارنده اش می انجامد. او از ارزش آزادی در برابر آزادی مطرح شده در خانواده مدرن دفاع می کند و سکس آزاد را به عنوان تریاک خانواده قلمداد می نماید، مخدری که با از بین رفتن نظام ارزشی آن، محو سایر هنجارهای مسلط بر خانواده کار دشواری نخواهد بود (گاردنر، ۱۳۸۶، ۳۳). او وجود سلسله مراتب اخلاقی را ضرورتی برای هدایت هماهنگ جامعه بشری می داند؛ بدین معنا که انسان همیشه در ارتباط با خوب برین که خداوندست رفتار خود را تنظیم می کند و می داند که در صورت اراده جاهلانه به پایین و حیوانیت سقوط نموده و در صورت اراده عاقلانه به بالا صعود می کند. این در حالی است که در نظام فردگرایی کنونی، آزادی در انتخاب ارزش ها به معنا رفع نظام سلسله مراتبی اخلاقی و وجود ملاک و معیار در

تعیین هنجارهاست. این سبک در تعیین هنجارها موافق با منافع دولتهایی است که همیشه می‌خواهند فرد را در تعیین اشتباه ارزش‌ها مقصر بدانند، در صورتی که همیشه خانواده محل تمرین و تربیت ارزش‌های سلسله مراتبی بوده است و این عملیات را بر اساس تصویر سلسله مراتب خانوادگی مثل جایگاه بالای پدر و مادر، لزوم رعایت احترام از سوی فرزندان، ضرورت حمایت والدین از فرزندان و فضیلت‌هایی چون ایثار، صبر و ... انجام داده است (همان، ۵۶). «لیندا پولاک» بیان می‌کند عشق و رابطه عاطفی عمیق بین اعضای خانواده سنتی همواره سبب کنترل امور جنسی در همسران و سلامت رشد در کودکان بوده است. در نظام‌های فردگرایی مدرن که تربیت کودک به عهده دولت است و تأکید بر بی‌طرفی در برخورد با کودکان دارند، جانبداری واقعی که کودکان در مسیر رشد خود نیازمند آن هستند را نادیده می‌گیرد. بی‌طرفی کافی نیست، شخصیت در حال رشد نیاز دارد بداند کسی هست که به او بیش از دیگران اهمیت می‌دهد؛ کسی که برای او نه تنها به کارهای معقول دست می‌زند بلکه مرتکب کارهای نامعقول هم می‌شود (چیل، ۱۳۸۸، ۳۹).

۴ نتیجه‌گیری

فضای سایبر چه در چنبره اراده انسانی باشد و چه اراده انسانی را مقهور خود نماید، برای جهان انسانی، تولید معنا می‌کند و به واسطه واقعیت نمادین خود، این انتقال را شدت و مقبولیت می‌بخشد. آنچه روشن است دخالت مستقیم و اثرگذار این جهان بر نظام هنجاری است، نظامی که در خانواده شکل می‌گیرد، در اجتماع ساخت می‌یابد و در بازگشتی دیالکتیکی، خانواده را نیز هنجار می‌بخشد. چه در فرض دیدگاه «ایلول» که قائل به ضد هنجار بودن فضای مجازی است (ایلول، ۱۳۸۷، ۲۱) و یا دیدگاهی مثل «انجلبارت» که قائل به تعاضدی بودن هنجارهای فناورانه با نظام اخلاقی انسانی است، آنچه در این میان واجد اهمیت است سهم حکمرانی جامع در کنترل و بهبود این اوضاع است، هر چند فرهنگ امری قابل مدیریت به نحو دستوری نیست اما وظیفه حکمرانی دینی پویا، ایجاد زمینه‌ها و اقتضائات لازم جهت حرکت به سمت تعالی خانواده در دوران کنونی است.

باید پذیرفت که خانواده کنونی در دو جهان موازی که هر دو واقعی بوده و منجر به رفتارها و کنش‌های خارجی تأثیرگذار می‌شوند، زیست می‌کند و رویکرد سلبی و فرار از این زیست‌بوم، راه حلی مناسب و دائمی برای این وضعیت نخواهد بود. در اتحادیه اروپا «برنامه اجرایی اینترنت امن‌تر»^۲ سیاست‌هایی ایجابی چون آگاهی دادن به والدین، معلمان و کودکان در خصوص قابلیت‌ها و خطرات بالقوه اینترنت و تشریک مساعی و تبادل تجربیات همه‌جانبه را در دستور کار قرار داده است. در کانادا نیز در راستای تولید محتوا و سیاست‌گذاری‌های ایجابی و نشر فرهنگ کانادایی در جهان، حدود نیمی از سرمایه‌گذاری‌های برخط، در زمینه توضیح و تبیین فرهنگ کانادایی به زبان انگلیسی و فرانسه است، این امر هم برای تشویق به تولید محتوای دیجیتالی از فرهنگ کانادایی و انتشار آن در سراسر جهان و هم برای دسترسی وسیع خود کانادایی‌ها به تنوع فرهنگی و انتخاب‌های متنوع زیست اصیل در کشورشان است.

معرفت و کسب آگاهی نسبت به ابعاد خانواده امروز و تلاش برای ورود محتوایی و تأثیرگذاری ایجابی در

² Safer Internet Action Plan

آن، تأکید بر حفظ مقوّمات خانواده و ارزش‌های آن در هر دو فضا، توجه سیاست‌گذاران به ارزش‌های اصیل و هماهنگی جنبه محتوایی رسانه در جایگاه مدیریتی آن و نیز ورود میانجی‌ها و الگوهای هویتی عمیق بجای سلبریتی‌های ورزشی، هنری و رسانه‌ای در شمار ابعاد نظام هنجاری حکمرانی جامع فضای سایبر در راستای تعالی خانواده است که می‌تواند خانواده را به‌عنوان عنصری تمدن‌ساز در جهان کنونی حفظ کند و ارتقاء بخشد.

از سوی دیگر تقویت هسته معنایی خانواده و تلاش برای روزآمدسازی آن، امری است که می‌توان از فضای مجازی یاری گرفت. مهم آنست که بدانیم در یک نظام توحیدی همیشه روابط انسانی و رعایت فضایل اخلاقی دارای اولویت است و خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن برای اعضای خود، مامن عاطفی جهت شکل‌گیری و جهت‌دهی به ذائقه خلقی اعضای خود است، اعضای که شهروندهای اجتماعی خواهند بود.

مراجع

- [۱] ایلول، ژاک، خودمداری پدیده تکنولوژیک، ترجمه ایرج قانونی، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۳۸۷، شماره ۷.
- [۲] چیل، دیوید، ترجمه محمد مهدی لبیبی، خانواده‌ها در دنیای امروز، نقد افکار، تهران، ۱۳۸۸
- [۳] شریف، نواز، مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه؛ مترجم رشید اصلانی، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۷، تهران.
- [۴] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، موسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، چاپ ۲، (۱۳۹۰)
- [۵] عاملی، سید سعیدرضا، فلسفه فضای مجازی، امیرکبیر، ۱۳۹۶، تهران، ص ۲۲ و ۲۳
- [۶] کیان‌خواه، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال نهم، شماره سی و چهار، زمستان ۱۳۹۸
- [۷] گاردنر، ویلیام، ترجمه و تلخیص معصومه محمدی، جنگ علیه خانواده، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ۱۳۸۶
- [۸] هایدگر، مارتین، مقاله پرسش از تکنولوژی، مجموعه مقالات کتاب فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، ص ۴، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۹، چاپ چهارم
- [۹] هایم، مایکل، متافیزیک واقعیت مجازی، مترجمه سرونا تربتی، ۱۳۹۰، رخداد نو
- [10] Drucker, Peter F., "Work and Tools", Technology and Culture, winter 1959, vol. 1, no. 1, p. 28.
- [11] Feenberg, Andrew, Alternative Modernity: The Technical Turn in Philosophy and Social Theory, University of California Press, 1995, p.5.
- [12] Whittaker, Jason, The Cyberspace Handbook, London and New York: Routledge, 2004.